فرار عجیب از صحنه تصادف

پلیس، تحقیقات را برای شناسایی راننده متخلف پراید وانت که برای فرار از صحنه تصادف با چند خودروی دیگر تصادف کرده بود، آغاز کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، از روز پنجشنبه فیلمی ۲۱ ثانیه‌ای از خودروی پرایدوانتی منتشر شد که در خیابانی در حال فرار است. راننده که وحشتزده است، در حین فرار به صورت دنده عقب با چند خودروی دیگر تصادف می‌کند. چند نفر از اهالی سعی می‌کنند مانع فرار راننده شوند، اما او خود را به خیابان اصلی رسانده و از محل دور می‌شود. برخی از کاربران فضای مجازی با انتشار این فیلم اعلام کردند، این حادثه صبح چهارشنبه در خیابان فلسطین مشهد رخ داده و پراید وانت ابتدا با خودرویی تصادف کرده و هنگام فرار از صحنه تصادف با سه خودروی دیگر هم برخورد کرد. یك مقام آگاه در پلیس مشهد گفت: پس از انتشار این فیلم پلیس فتا و راهور بررسی‌ها را در این باره آغاز کردند تا در صورت تایید این حادثه در مشهد، راننده متخلف شناسایی و اقدامات قانونی انجام شود.

مرد جوان در جلسه دادگاه جزئیات قتل همسرش را تشریح کرد

همه چیز از یک عکس شروع شد

مرد جوان که پس از افشای راز خیانتش، نوعروس خود را خفه کرده و جسدش را به آتش کشیده بود در جلسه محاکمه به تشریح این جنایت پرداخت. در این جلسه زن خیانتکار منکر اعترافات قبلی خود شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از ۲۱ آبان سال گذشته و به‌دنبال گزارش ناپدید شدن دختر دانشجوی علوم غذایی در کرج آغاز شد. پدر این دختر در تحقیقات گفت: دختر ۲۴ ساله‌ام، ساعت ۸ صبح خانه را برای رفتن به دانشگاه ترك کرد و دیگر بازنگشت. تلفن همراهش هم خاموش بود.

تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این‌که مردی در تماس با پلیس کرج از کشف جسد سوخته‌ای در منطقه آتشگاه خبر داد. تیم جنایی در محل کشف جسد حاضر و متوجه شد، جسد متعلق به زن جوانی است که پس از قتل در محل دیگری به آنجا منتقل شده و به آتش کشیده شده بود.

با بررسی‌ها مشخص شد، این جسد متعلق به دختر دانشجوست. با کشف جسد دختر جوان، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و کارآگاهان متوجه اختلاف او با نامزدش به نام سهیل شدند. پسر جوان بازداشت و در تحقیقات اولیه منکر قتل شد و گفت: من و نامزدم اختلاف‌هایی با هم داشتیم اما این اختلاف در حدی نبود که بخواهم به خاطرش او را بکشم.

تیم جنایی که به اظهارات سهیل مشکوك شده بود، تحقیقات را روی او متمرکز کرده و با بررسی تماس‌هایش دریافتند او روز حادثه در نزدیکی دانشگاه نامزدش حضور داشته است. از سوی دیگر رابطه پنهانی او با زن متاهلی فاش شد.

اعتراف به قتل

همین دلایل پلیسی کافی بود تا سهیل لب به اعتراف باز و به قتل نامزدش اقرار کند.

متهم به قتل در بازجویی‌ها گفت: یك روز زن متاهلی به نام شیوا برای سفارش کیك به قنادی‌ام آمد و بعد از آن با هم ارتباط داشتیم. او ده سال از خودم بزرگ‌تر بود. یك روز که گوشی‌ام دست نامزدم بود، او متوجه ارتباط من با این زن شد. بعد از آن هم پیگیر شناسایی این زن شد. برای افشا نشدن رابطه پنهانی، تصمیم به قتل گرفتیم. روز حادثه با نامزدم قرار گذاشتم و شیوا هم به محل قرار آمد. سوار ماشین شیوا شده و در آنجا نامزدم را با بند خفه کردیم. بعد هم برای فاش نشدن راز قتل، جسد او را آتش زدیم.

با این اعترافات، شیوا هم دستگیر شد و در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد. با تکمیل تحقیقات و بازسازی صحنه جنایت، پرونده برای محاکمه با صدور کیفرخواست به شعبه اول دادگاه کیفری استان البرز ارسال شد. زن و مرد خیانتکار به ریاست قاضی قیومی و با حضور قاضی فیروز رنجبر پای میز محاکمه قرار گرفتند و به دفاع از خود پرداختند.

در ابتدای جلسه دادگاه، قاضی دهقان، نماینده دادستان کرج به تشریح کیفرخواست پرداخت و با اشاره به روند پرونده گفت: سهیل در این پرونده متهم به مشارکت در قتل، مشارکت در آدم ربایی، سرقت طلاهای مقتول و جنایت بر میت است. شیوا هم متهم به معاونت در قتل، مشارکت در آدم‌ربایی و دریافت اموال سرقت شده مقتول است. با توجه به اقرار متهمان، درخواست اولیای‌دم، گزارش پزشکی قانونی و دیگر دلایل موجود در پرونده برای دو متهم درخواست اشد مجازات را دارم.

رئیس دادگاه سپس از پدر و مادر دختر جوان خواست در جایگاه قرار بگیرند و درخواست خود را مطرح کنند. پدر و مادر دختر دانشجو با توجه به جنایت هولناك دامادشان برای او حکم قصاص و برای شیوا اشد مجازات را خواستند.

فقط قتل را قبول دارم

قاضی قیومی با تفهیم اتهام به متهم ردیف اول پرونده از او خواست از خودش دفاع کند. سهیل وقتی در جایگاه قرار گرفت، با قبول اتهام قتل عمدی گفت: اتهام آدم ربایی و سرقت را قبول ندارم.

متهم به قتل در تشریح ماجرا گفت: سال ۹۶ شیوا به مغازه شیرینی فروشی که در آن کار می‌کردم، آمد و سفارش کیك داد. برای طرح روی آن شماره تلگرامم را گرفت تا عکس ارسال کند. بعد از آن ارتباط ما شروع شد و با هم چت می‌کردیم. بعد از چند ماه با اصرار خانواده ام مجبور شدم ازدواج کنم. به خواستگاری مقتول رفتم و عقد کردیم. یك روز که گوشی تلفن همراه دست نامزدم بود، شیوا عکسی از خودش برای من ارسال کرد که همسرم دید و از آنجا اختلاف ما شروع شد. البته شیوا وقتی فهمید گوشی دست نامزدم بوده، ادعا کرد قصد داشته عکس را برای خواهرش بفرستد، اما برای خط من فرستاده است. البته من نمی‌دانم شیوا چه عکسی ارسال کرده بود.

در این لحظه مادر مقتول که در طول رسیدگی گریه می‌کرد، از جا برخاست و رو به قضات گفت: شیوا عکسی بدون لباس از خودش برای این مرد ارسال کرده بود.

متهم به قتل در ادامه دفاعیاتش درباره علت قتل نامزدش گفت: درگیری من و نامزدم هر روز بیشتر می‌شد. نامزدم می‌خواست شکایت کند . به همین خاطر گفتم قرار می‌گذارم خودت با شیوا حرف بزن. در میدان دانشگاه قرار گذاشتم و به آنجا رفتم. شیوا هم با پژو ۲۰۶ به آنجا آمد. وقتی دید راننده زن است، شك کرد و مجبور شدم بگویم این زن همان شیواست.

نماینده دادستان با اشاره به اعترافات قبلی متهمان گفت: مقتول وقتی می‌فهمد راننده زن است، سوار نمی‌شود که متهم او را به زور سوار خودرو می‌کند.

سهیل ادامه داد: چند دقیقه که گذشت جر و بحثمان بالا گرفت. طنابی در جیبم بود که آن را بیرون آوردم و دور گردنش پیچیدم و چند ثانیه بعد خفه شد.

رئیس دادگاه: بعد از قتل کجا رفتید؟

سهیل: از شیوا خواستم به سمت آتشگاه برود. در آنجا از یك نانوایی سه گونی خریدم و به محل خلوت رفتیم و جسد را از ماشین خارج کردیم و بعد از صندوق عقب ماشین شیوا، تینر برداشتم و جسد را آتش زدم. باور کنید، قصدی برای قتل نداشتم.

رئیس دادگاه: قصدی برای قتل نداشتی و با خودت طناب و تینر برده بودی؟

سهیل: نقشه‌ای برای کشتن نداشتم.

رئیس دادگاه: می‌دانستی شیوا متاهل است؟

سهیل: بله. می‌دانستم شوهر و دو فرزند دارد.

من هیچ‌کاره بودم

در ادامه رسیدگی به این پرونده، شیوا در جایگاه قرار گرفت و اتهاماتش را انکار کرد و گفت: من از نقشه قتل خبر نداشتم. یك روز همراه شوهرم برای سفارش کیك به مغازه سهیل رفتیم. او هم شماره اش را داد تا طرح روی کیك را ارسال کنم. چند روز بعد از این ماجرا خواستم عکسی برای خواهرم ارسال کنم که اشتباه برای سهیل ارسال شد . خیلی سریع هم عذرخواهی کردم. بعد از آن از ۹ خط برای من پیام‌های توهین آمیز ارسال می‌شد. سرانجام هم سهیل خواست با نامزدش قرار بگذارم و ماجرا را توضیح دهم.

رئیس دادگاه: وقتی دیدی سهیل در حال خفه کردن نامزدش است چرا واکنشی نشان ندادی؟

شیوا: او به من گفت نامزدش بیهوش شده است.

رئیس دادگاه: اما قبل از این ماجرا با سهیل نقشه قتل را طراحی کرده بودید.

شیوا: نه. قبول ندارم. ما هیچ نقشه‌ای نداشتیم و من با این آقا هیچ رابطه خاصی ندارم.

با طولانی شدن زمان رسیدگی به پرونده ادامه جلسه دادگاه به روز دیگری موکول شد تا پس از آخرین دفاع متهمان و دفاعیات وکلای آنها، قضات برای صدور حکم وارد شور شوند.

> متهم پس از قتل نامزدش و آتش زدن جسد او در حوالی کرج گردنبند مقتول را به زن خیانتکار هدیه داد

جزئیاتی از فیلم سیلی ناظم به صورت پسر دانش‌آموز بابلسری

برای معاون یکی از مدارس پسرانه بابلسر به‌خاطر سیلی زدن به گوش پسر دانش‌آموز، پرونده انضباطی تشکیل شد.

همه چیز از یك فیلم شروع شد. فیلمی که از پشت‌بام خانه‌ای در نزدیکی یکی از مدارس بابلسر گرفته شده بود. در این فیلم، ناظم پسر دانش‌آموزی را از صف بیرون می‌کشد و سیلی محکمی به صورت او می‌زند. تهیه‌کنندگان این فیلم کوتاه مدعی شده‌اند معاون مدرسه به‌دلیل نپوشیدن لباس فرم، دانش‌آموز را مورد تنبیه بدنی قرار داده است.

این فیلم خیلی زود در فضای مجازی منتشر شد و آموزش و پرورش مجبور به توضیح درباره آن شد.

مدیر آموزش و پرورش شهرستان بابلسر در گفت‌وگو با ایرنا با تایید این ماجرا اظهار

کرد: این حادثه در یکی از مدارس پسرانه مقطع متوسطه اول در بابلسر اتفاق افتاده است.

احمدرضا مهاجری‌نژاد با تکذیب ادعای مطرح شده درباره علت تنبیه بدنی دانش‌آموز، توضیح داد: دلیل تنبیه نپوشیدن لباس فرم نبوده بلکه مشکل انضباطی بوده است.

وی با محکوم کردن این رفتار معاون مدرسه، تاکید کرد: به هر دلیل و هر بهانه‌ای و حتی بدترین مشکل انضباطی دانش‌آموز، نمی‌تواند دلیل و بهانه‌ای برای تنبیه بدنی او توسط مدیر، معاون یا حتی معلم باشد.

مهاجری‌نژاد با بیان این‌که معاون مذکور و والدین دانش‌آموز با یکدیگر رفت وآمد خانوادگی داشتند و هیچ شکایتی از سوی والدین انجام نشده است، افزود: اما این رفتار خلاف مقررات و بینش وزارت آموزش و پرورش بوده و باید از تکرار آن به صورت جدی جلوگیری شود و به همین علت پرونده انضباطی برای معاون خاطی تشکیل شده و اکنون در حال بررسی نوع برخورد با وی هستیم.

شوهرکشی زن خیانتکار ۲۰ روز پس از عروسی

تازه‌عروس جوان که تنها ۲۰ روز بعد از شروع زندگی مشترك، با همدستی برادرشوهر خود، همسرش را با ضربات چکش به قتل رسانده است، بعد از این‌که به دام ماموران پلیس افتاد ادعا کرد بداخلاقی‌های همسرش باعث شده بود دلداده برادر شوهرش شود. با توجه به اعلام رضایت اولیای‌دم از متهمان، رسیدگی به پرونده از لحاظ جنبه عمومی جرم به زودی در دادگاه کیفری یك استان تهران انجام خواهد شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، دو سال پیش در یکی از محله‌های شهریار، با صدای فریادهای زن جوان، خبر به قتل رسیدن شوهر او به گوش خانواده همسرش که با هم در یك خانه زندگی می‌کردند رسید. هنوز سه هفته از ازدواج مرد جوان نگذشته بود که او در خانه خودش به طرز وحشتناکی با ضربات متعدد چکش به سرش، جان خود را از دست داده بود.

ماموران پلیس در جریان حادثه قرار گرفتند و در همان تحقیقات اولیه با توجه به اظهارات خانواده مقتول، فرض وقوع یك قتل خانوادگی قوت گرفت و همسر مقتول به‌عنوان مظنون اول پرونده مورد بازجویی قرار گرفت. زن جوان که سمیرا نام دارد، قتل همسرش را انکار کرد و گفت: «هنوز یك ماه نبود که زندگی من و همسرم آغاز شده بود و من با او هیچ خصومتی نداشتم.»

سمیرا از کلانتری خارج شد و تحقیقات پلیس برای یافتن ردی از عامل جنایت ادامه داشت که مشخص شد زن جوان از شهر گریخته است. در تحقیق از خانواده سمیرا، خواهر او لب به اعتراف گشود و گفت: «زمانی که سمیرا برای بازجویی راهی اداره پلیس شد، برادرشوهرش سراغ من آمد و گفت به کمك خواهر من، برادر خودش را به قتل رسانده‌اند و از من کمك خواست. برای همین به محض این‌که خواهرم از دست پلیس خلاص شد، او را فراری دادم.»

با روشن شدن راز ماجرا، خواهر سمیرا به اتهام همدستی با قاتل در متواری شدن او بازداشت شده و مجبور به برگرداندن خواهرش شد.

برادر مقتول نیز دستگیر شد و به قتل برادرش اعتراف کرد و گفت: «از چند هفته قبل که همسر برادرم به خانه ما آمد، چند باری پنهانی با او هم‌کلام شدم و به هم علاقه پیدا کردیم. بعد او از من خواست برای کشتن برادرم به او کمك کنم. من هم قبول کردم و روز حادثه چند ضربه با چکش به سر برادرم زدم.»

تازه‌عروس جوان نیز در اعترافات خود گفت: «خانواده‌ام از روی فقر مرا شوهر دادند، اما وضع مالی شوهرم از خانواده خودم هم بدتر بود و اعتیاد هم داشت. او در همین مدت کوتاهی که با هم زندگی کردیم هر روز من را کتك می‌زد. اما برادر او مرد مهربانی بود، برای همین به او علاقه پیدا کردم و باعث شد فکر کشتن همسرم به سرم بزند.»

او در ادامه در مورد روز حادثه گفت: «آن روز مقدار زیادی قرص خواب‌آور به همسرم خوراندم. زمانی که او حالت منگی پیدا کرد، با چکش چند ضربه به سر او زدم اما زمانی که من ضربه‌ها را زدم، هنوز زنده بود. همان لحظه برادرش که در جریان نقشه من بود، طبق قرار قبلی‌مان وارد خانه شد و چند ضربه هم او به سر شوهرم زد.»

پس از تکمیل تحقیقات، تازه‌عروس جوان و برادرشوهرش به مشارکت در قتل متهم شدند و پرونده بعد از طی مراحل قانونی راهی دادگاه کیفری یك استان تهران شد. اما خانواده مقتول قبل از محاکمه متهمان، در دادسرای جنایی از قصاص متهمان اعلام گذشت کردند و به این ترتیب متهمان به‌زودی تنها از لحاظ جنبه عمومی جرم در دادگاه محاکمه خواهند شد.

> نوعروس ۲۰ روز پس از ازدواج به برادرشوهرش علاقه‌مند شد و سناریوی کشتن همسرش را اجرا کرد

بخشش قاتل زن میانسال به حرمت امام حسین(ع)

مرد سارق که زن میانسال را قربانی سرقت طلاهایش کرده بود، به حرمت امام حسین(ع) بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، در این پرونده مرد جوان به نام نصیر متهم به قتل زن میانسال و سرقت طلاهای او است. راز این جنایت شامگاه پنجم خرداد سال ۹۲ فاش شد. ماموران پس از حضور در محل جنایت دریافتند، پس از قتل زن ۵۰ ساله، گوشی تلفن همراه و طلاهایش سرقت شده است.

در ادامه همسر موقت این زن دستگیر شد که در بازجویی‌ها منکر قتل شد و گفت: برادرم وقتی فهمید با زنی بزرگ‌تر از خودم ازدواج کردم عصبانی شد و تصور می‌کنم او باعث قتل همسرم باشد.

ماموران سراغ برادر او رفتند اما نصیر از کشور فرار کرده بود. تحقیقات در این رابطه ادامه داشت تا این‌که کارآگاهان دریافتند نصیر به ایران بازگشته است. بلافاصله متهم به قتل دستگیر شد و در تحقیقات به قتل زن میانسال اعتراف کرد و گفت: برادرم در تهران کار می‌کرد و همه درآمدش را به این زن می‌داد. روز حادثه سراغ این زن رفتم تا با او صحبت کنم، اما با دیدن طلاهایش وسوسه شدم او را بکشم. به همین خاطر به طرفش حمله کرده و بعد از قتل این زن با سرقت طلاها و تلفن همراهش از کشور فرار کردم. بعد از چند ماه فکر کردم همه چیز تمام شده و به ایران بازگشتم که دستگیر شدم.

نصیر پس از محاکمه به قصاص و حبس محکوم شد که این حکم در دیوان عالی کشور تایید شد.

با گذشت شش سال از این جنایت، اولیای‌دم زن میانسال او را به حرمت امام حسین(ع) بخشیدند. پس از بخشش اولیای‌دم، پرونده برای محاکمه متهم از جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد.

تلنگر

بخشش زندگی در آخرین مسابقه زندگی

به تازگی به اردوی تیم ملی دعوت شده بود و برای برداشتن یك قدم بزرگ برای رسیدن به هدف اصلی قرار بود دو روز دیگر راهی آبادان شود و در مسابقات کشوری بوکس شرکت کند، اما تصادف مرگباری که رخ داد باعث شد داستان زندگی این قهرمان بوکس کشور تمام شده و با اهدای اعضای بدنش، قهرمان زندگی شود. نیمه‌های شب ۵ مهرماه امسال بود که تلفن خانه خانواده تکلو به صدا درآمد. وقتی پدر خانواده گوشی تلفن را برداشت صدای پسرجوانی را شنید که با گریه می‌گفت: «نوید تصادف کرده و حالش خوب نیست، ما الان در بیمارستان طالقانی هستیم.»

مرد با شنیدن این خبر شال و کلاه کرد و به بیمارستان طالقانی شهرشان - کرمانشاه - رفت. آن شب خانواده نوید تلخ ترین ساعات عمرشان را پشت سر گذاشتند. پسر ۲۲ ساله آنها روی تخت بیمارستان بود، معاینات پزشکان حاکی از آن بود که ضربه شدیدی به سرش وارد شده و امیدی به بازگشت او به زندگی نیست. با اعلام مرگ مغزی بیمار، تلاش‌ها برای گرفتن رضایت خانواده جهت اهدای اعضای بدن او به چند بیمار نیازمند آغاز شد. به این ترتیب با همکاری واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی بیمارستان آیت‌ا... طالقانی کرمانشاه، رضایت خانواده بیمار مرگ مغزی گرفته و عملیات انتقال بیمار برای پیوند اعضای او به چند بیمار نیازمند آغاز شد.

شکنجه نوجوان افغان به خاطر مزاحمت برای یك زن

دادستان قشم اخبار منتشر شده درباره مرگ نوجوان تبعه افغان در این جزیره را تکذیب کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، چند روزی است که فیلم و عکسی از یك نوجوان تبعه افغان در فضای مجازی منتشر شده که دستانش با طنابی بسته شده است. انتشاردهندگان این فیلم مدعی بودند این نوجوان افغان به‌خاطر مزاحمت برای زن رئیس شورای شهر روستایی در قشم ربوده و پس از شکنجه کشته شده است. ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که ضاربان این نوجوان او را کتك می‌زنند و به داخل یك خودرو می‌اندازند. در یك فایل تصویری دیگر، این نوجوان با دست بسته و بدنی زخمی دیده می‌شود. پس از انتشار این فیلم، دادستان قشم به اخبار منتشر شده در این باره واکنش نشان داد و گفت: کشته شدن تبعه افغان درست نیست، اما ضرب و جرح وی صحت دارد.

رضا صفایی افزود: متهمان شناسایی شده‌اند و پرونده قضایی آنان در حال تکمیل است.

رئیس پزشکی قانونی شهرستان قشم هم دیروز به ایرنا گفت: هیچ مراجعه و موردی مبنی بر شکنجه بدنی جوان افغان که در فضای مجازی بازتاب داشته تاکنون در این اداره ثبت نشده است. همچنین هیچ گزارشی مبنی بر مرگ تبعه افغان به پزشکی قانونی شهرستان قشم اعلام و دریافت نشده است.

جنایت داماد تیرانداز

دامادی که در جریان اختلاف خانوادگی پدرزن و شاگرد مغازه‌اش را به قتل رسانده بود، خودش نیز خودکشی کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، سرهنگ هاشم شعفی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی آذربایجان‌شرقی با اشاره به جزئیات این حادثه، اعلام کرد: شامگاه چهارشنبه، تماس‌هایی مبنی بر وقوع یك فقره تیراندازی در یکی از مغازه‌های خیابان کاشانی شهرستان مراغه به پلیس ۱۱۰ اعلام شد که به‌دنبال آن، بلافاصله ماموران به محل حادثه اعزام شدند.

وی ادامه داد: با بررسی‌های اولیه مشخص شد که داماد خانواده با مراجعه به مغازه پدرزن خود احتمالا به‌دلیل اختلافات خانوادگی قبلی وی را همراه شاگرد مغازه‌اش با اسلحه گرم به قتل رسانده و سپس خودکشی کرده است.

شعفی گفت: موضوع در دست بررسی بوده و اخبار تکمیلی متعاقبا پس از بررسی‌های کارشناسی اطلاع‌رسانی خواهد شد.